

میروی ولریه مرآت

۲۰ تیر ۱۴۰۵

۵۰ قاب
به یادماندنی از مراسم تشییع
رهبر شهید انقلاب اسلامی در مشهد مقدس





آیت‌الله محمدحسن صلواتی

استقبال از قائد شهید

پنجشنبه هجدهم تیرماه ۱۴۰۵ مراسم باشکوه استقبال از پیکر قائد شهید امت و خانواده ایشان در فرودگاه بین‌المللی شهید هاشمی‌نژاد برگزار شد. خیل عاشقان رهبر شهید خود را به فرودگاه رسانده بودند تا با پیکر پاک و مطهر ایشان وداع کنند. قاب‌های پیش‌روگزیده‌ای از تصاویر این روز تاریخی مشهد هستند که به یادگار خواهند ماند.





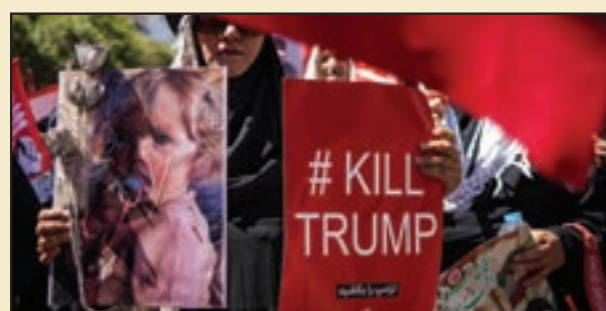
رود خروشان «یا ثارات الحسین (ع)»

خودرو حامل پیکر قائد شهید امت و اعضای شهید خانواده ایشان، از پایانه مسافربری مشهد وارد مسیر استقبال و تشییع شد و میلیون ها زائر و مجاور حرم آقای مهربانی، با پرچم های سرخ «یا ثارات الحسین (ع)» در اطراف خودرو حلقه زدند؛ مشایعت کنندگانی که چیزی جز انتقام خون امام شهید انقلاب، آتش خشم آن ها را آرام نخواهد کرد.



محسن بخشنده



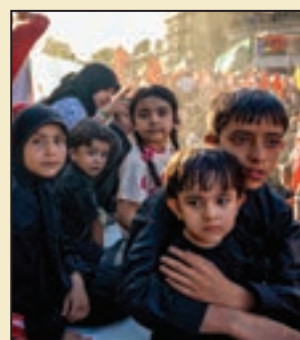


رژا سعیدگی

همه آمدند

هر کس امکان آن را داشت که خود را برای مراسم تشییع به مشهد برساند. آمده بود. سختی راه، گرمای هوا و ازدحام جمعیت، هیچ مانع نمی شد که به احترام آقای شهید ایران قیام نکنند. همه آمده بودند که بگویند سرباز ایران هستند.





رحمة میلاذ سنگانی

گریان در فراق پدر امت

۱۳۱ روز بود که مردم صدای آقای شهید را که در هر سخنرانی، امیدآفرین بود و سربلندی ایران و اسلام را می خواست، نشنیده بودند. تشییع کنندگانی که در این مدت، غم خود را با حضور حماسی در خیابان پنهان نگه داشته بودند، با دیدن پیکر آقای شهید، بغضشان شکست و اشک ماتم ریختند. این ملت، پدر از دست داده است.





فاطمه جاهدی

انتقام، انتقام

مردم در کنار داغ از دست دادن آقای شهید، یادشان نرفته است که در کنار تولی، باید تبری داشتند؛ تبری از دشمنانی که رهبر امت را به شهادت رسانده‌اند. در همه مسیر شعار انتقام از عاملان این جنایت و خون‌خواهی رهبر شهید ملت، بر زبان‌ها جاری بود.



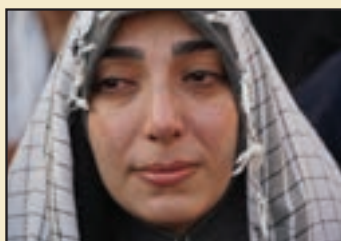


شیرین فاطمی

بای ذنب قتل

در کنار تصاویر آقای شهید ایران که در دستان مردم بود، تصویر دیگری هم بود که دیدن آن هر دلی را به درد می آورد. تصویری از نوه دردانه چهارده ماهه رهبر شهید انقلاب که در کنار ایشان به شهادت رسید، حکایتی از شهادت طفل شیرخواره امام شهید در صحرای کربلا بود و این آیه شریفه قرآن را حکایت می کرد که «بای ذنب قتل».





آیت الله العظمیٰ خرمی

در حسرت آخرین دیدار

در میان سیل جمعیت ایستاده بودم و فقط نگاه می‌کردم. آدم‌ها از هر سن و سلیقه‌ای آمده بودند. بعضی با چشمانی اشک‌بار و بعضی با سکوتی سنگین. در نگاه بسیاری، حسرتی پیدا بود؛ حسرت اینکه شاید دیر شناخته بودندش. حالا آمده بودند تا شاید بتوانند گذشته را جبران کنند و برای آخرین بار سلامی بدهند. مردم در وداع بارهبر شهید با ایشان پیمان بستند که سرباز این کشور بوده و خواهند بود.

